

رشته به رشته



۳-۳-۶

ضمیمه نوجوان

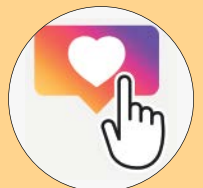
شماره ۶۵ | مرداد ۱۴۰۰

نوجوان
باز

با انگشت اشاره دارد چیزی را نشان می‌دهد؛ همزمان زیر لب‌های خشک شده‌اش یک ام‌کشدار شنیده می‌شود. امممممم. انگار که دارد یک کتونی ورزشی انتخاب می‌کند. خسته شده. انگشتش را سمت آن یکی می‌برد. فکر می‌کند آن هم بد نیست به آن علاقه دارد، فوقش هزار کیلومتر اینورتر اما حیف استعدادش را ندارد. انگشتش را به سمت گزینه بعدی می‌چرخاند. رتبه‌اش به آن یکی نمی‌خورد. بعد ناگهان به یاد یادداشت انتخاب رشته نوجوانه می‌افتد؛ می‌خواهی کدام رشته‌ت را انتخاب کنی؟

بهش علاقه داریم

علاقه یکی از اون لازم‌هاییه که اصلاً کافی نیست. تو هر تصمیمی خیلی خوبه مایه گزینه انتخابی ارادت داشته باشیم اما برای یک انتخاب خوب و درجه یک باید در کنار علاقه قلبی از خودمون ببرسیم اگر روزی بی دلیل از این رشته بدمون اومد چیزی هست که بشه با داشتنش دلمون رو قرص کنیم؟



در موردش شنیدم

هر رشته تحصیلی یک تاریخچه‌ای داره، یکسری قابلیت‌ها رو می‌طلبه و آینده‌اش در تعدادی شغل معین تعریف میشه. دانشجویها می‌تونن منبع خوبی برای دادن اطلاعات واقع‌بینانه از رشته‌هاشون باشن؛ پادکست و نشریه‌های تخصصی هم گزینه‌های خوبی برای کسب اطلاعات هستن.



استعدادشو داریم

استعداد می‌تونه هیچ وقت کشف نشه و تا ابد تو صندوقچه روح‌مون خاک بخوره و حتی اگه کشفم شد هیچ وقت بالفعل نشه؛ اینا تا حد زیادی بستگی به انتخاب‌های ما داره. برای رسوندن دست‌های استعداد و گردن مبارک رشته دانشگاهی تست‌های استعدادیابی و تجربه می‌تونن تا حد زیادی روشن‌مون کنن.



۵۰۰ کیلومتر اینورتر

میگن این سوال که رشته انتخابی چه آینده‌ای تو شهر خودمون داره، از بنیادی‌ترین سوالات تاریخ بشریته. چون آینده رشته یعنی کار و کاری یعنی پول و پول یعنی معیشت. چه بسا دانشجویهایی که بعد از چهار سال دوندگی برای لیسانسه شدن، برگشتن و فهمیدن با رشته ارتدونسی حشرات هیچ آینده‌ای تو شهرشون ندارن.



میگن پول توشه

درسته که میگن پول خوشبختی نمیاره اما بدون پول خوشبخت شدن اصلاً آسون نیست. برای تحصیل تورشته دلخواه باید درآمد‌های احتمالی از جانب مشاغل اون رشته رو در نظر بگیریم. اینجوری نباشه که به دلار خرج تحصیل کنیم اما به ریال بهمون حقوق بدن.



آینده‌مو باهاش می‌بینم

هیچ چیزی همون طوری که هست نمی‌مونه. هراکلیتوس، فیلسوف مشهور اساساً فلسفه خودش رو بر تغییر بنا کرده بود. رشته‌ای که قراره چند سال از عمرمون رو باهاش طی کنیم ما رو کجای راه زندگی مون پیاده می‌کنه؟ پیاده می‌کنه و میره یا قراره تعقیب مون کنه؟ بوق می‌زنه تا دوباره سوار ماشینش بشیم یا ما رو وسط راه می‌ذاره؟



خودمو خوب می‌شناسم

میگن بالاترین شناخت، شناخت از خوده. این‌که بدونیم چی خوشحال مون می‌کنه، چه درسی جذب‌مون می‌کنه و چه امتحانی داشته باشیم با جون و دل براش مایه می‌ذاریم. کسی که نمی‌دونه حالش با ترجمه اسپانیولی به ترکی بهتره یا آلمانی به روسی، همون بهتره اصلاً ازدها شناسی بخونه.



جنسم با جنسش جوره

جنسیت با جنس متفاوته. جنس یعنی زن و مرد بودن اما جنسیت یه جور برداشت ذهنی و عرفی از زن و مرد بودنیه. بعضی دخترها علاقه زیادی به رشته و شغل‌های به اصطلاح مردونه دارن و بعضی مردها احساسات قوی و لطیفی دارن. توجه به جنسیت موقع انتخاب رشته فاکتور مهمیه.



فائزه نادری



علی رضایی مشاور تحصیلی

یادداشت

رشته انتخاب‌ها

رتبه‌ام خوب نشد! باز هم امسال پشت کنکور بمونم یا هرطور شده برم دانشگاه؟
رتبه‌ام خیلی خوب شده! آخه کیه که با این رتبه، پرمقراضی‌ترین رشته کشور در بهترین دانشگاه رو انتخاب کنه؟
رتبه‌ام اون‌کی که می‌خواستم نشد، ولی اینقدرها هم بد نشده! باید برم پیش مشاور که جوری برام انتخاب رشته کنه که بهترین رشته و دانشگاه ممکن رو قبول بشم.
زمانی که انتخاب رشته می‌رسه، اضطراب و نگرانی نوجوون‌ها رو مشغول خودش می‌کنه. اما چرا؟ چون باید انتخاب کنند. انسان چیست؟ انسان موجودی است انتخاب‌گر و دارای اختیار! موجودی که می‌تونه بین حالات مختلف پیش روی خودش آگاهی کسب کنه، تفکر کنه و در نهایت انتخاب ارزشمندی رو انجام بده. اگر تا به الآن فقط والدین و مشاوران مدرسه بودند که برامون انتخاب می‌کردند، اما حالا دیگه واقعا خودمون حق انتخاب داریم و شاید بشه گفت، جزو انسان‌ها شدیم.

لحظه کیف می‌کنه اما احتمالاً جزو نفرات برتر کنکور نخواهد شد اما در عوض کسی که انتخاب کنه که صبح زود بیدار بشه، به کلاس‌های کنکور بره و فقط به دنبال محتواهای آموزشی باشه، رتبه خوبی کسب خواهد کرد و به نوع دیگه‌ای کیف خواهد کرد.

از همین مثال سال کنکور استفاده کنم که بگم، موفقیت در خوشی‌ها و لذت‌های آنی نیست. بلکه همیشه برای موفقیت باید از خوشی‌های آنی گذشت و البته به خوشی موفقیت دست پیدا خواهیم کرد. اگر می‌خواهید در انتخاب رشته هم موفق باشید یادتون باشه که اسم رشته و دانشگاه یک خوشی فوری هست. راضی کردن والدین، اطرافیان و مشاوران با گوش دادن به پیشنهادهاشون در انتخاب رشته و دانشگاه، یک خوشی آنی است. یا حتی اینکه بگید، من راضی نیستم از رتبه‌ام و می‌خوام سال بعد کنکور بدم یک خوشی فوری برای فرار از تلخی رتبه است. باید این خوشی‌های فوری را کناری گذاشت و برای خوشی‌های آنی و موفقیت، دوباره انتخاب کرد. حتی اگر در نهایت نتیجه این نوع انتخاب همان نتایج قبلی باشد.

همه ما انسان‌ها در زندگی خودمون در حالات مختلفی قرار می‌گیریم که باید از بین مسیرهای مختلف روبه‌روی خودمون، انتخاب کنیم. انتخاب کردن اصلاً کار ساده‌ای نیست، چون ما بین مسیرهای مختلفی که «دوست‌شون داریم» مجبور هستیم که تنها یک مسیر رو انتخاب کنیم. یک کنکوری رو تصور کنید. هر روز بین این‌که بیشتر بخوابه یا صبح اول وقت بلند بشه و مطالعه‌اش رو شروع کنه داره انتخاب می‌کنه. یا بین این‌که بره با دوستانش وقت بگذرونه یا به کلاس‌های کنکور بره انتخاب می‌کنه. بین این‌که با گوشی همراه خودش غرق در فضای مجازی و بازی‌های موبایلی بشه و یا فقط به سراغ محتواهای آموزشی فضای مجازی بره، انتخاب می‌کنه. و این رشته انتخاب‌ها سر درازی داره! در واقع ما همیشه داریم انتخاب می‌کنیم که یا به دنبال خوشی‌ها و لذت‌های آنی و فوری بریم که همون لحظه خوشحال بشیم و یا به دنبال خوشی‌ها و لذت‌های آنی و دوردست بریم که شادی و خوشحالی رو در آینده به دنبال داره. مثلاً کسی که صبح به خوابش ادامه میده، با رفقاش وقت می‌گذرونه و یا غرق فضای مجازی میشه، داره کلی در